

مجموعه ادبیات داستانی جهان ۴

# دختران حوا

الیف شفق

مترجم: مهلا منصوری



انتشارات فروزش

۱۳۹۶

## مقدمه

این رمان سفری اعجاب‌انگیز است بین کفر و ایمان، بین عشق و نفرت. اسب سرکش عشق بین سه شخصیت جذاب داستان، پری، مونا و شیرین، در حال تاختن و شیبه کشیدن است. کدام یک از این سه تن قادر به مهار اسب خواهد بود؟ پری نه مثل مادرش دیندار است و نه مثل پدرش کافر. این رمان مانند اغلب رمان‌های الیف شفق، به دنبال راه سوم می‌گردد؛ به دنبال آشتی و عشق. عشق، زیربنای اصلی رمان‌های شفق، و مولانا و شمس دو دست‌آویز محکم نوشته‌های او هستند. الیف شفق همواره می‌کوشد رابطه‌ی مثلثی‌شکلی بین خود، مولانا و شمس برقرار کند و تا حدی نیز از عهده‌ی این مهم برآمده است.

شفق در *دختران حوا* (عنوان در متن اصلی: سه دختر حوا) تلاش می‌کند که سه اندیشه را در قالب شخصیت‌های شیرین، مونا و پری نمایش دهد؛ سه شخصیت گنه‌کار، باایمان و متعجب؛ منکر، مؤمن و مردد. این سه زن جوان متفاوت چگونه گرد هم می‌آیند؟ آیا دوستی آنان امکان‌پذیر است؟

الیف شفق همواره به‌عنوان مدافع حقوق زنان عمل کرده است. دغدغه‌ی اصلی او وضعیت زنان است و البته کودکان. لحن شاعرانه‌ی برخی نوشته‌ها و سبک خاص او که گریز از دانای کل به اول شخص است، شاید در ابتدا کمی ثقیل به نظر برسد ولی جذابیت داستان‌ها به همراه درون‌مایه‌ی خوب، طرح قوی و

قلم مسحورکننده‌اش، خواننده را در رؤیایی خودخواسته فرو می‌برد. برای او شیوه‌ی نوشتاری چندان مهم نیست، زیرا هم‌زمان که با لحنی ادبی می‌نویسد، به ناگهان ضرباهنگ نوشته تغییر می‌کند و به زبان محاوره تبدیل می‌شود. این روند در تمام متن کتاب دیده می‌شود.

ترجمه‌ی این کتاب میسر نمی‌شد جز به کمک همراه زندگی‌ام، وحید عزیز، که بیشتر از همسر بودن، دوستی را بلد است. نوش نگاهتان!

مهلا منصوری

خرداد ۱۳۹۶

## کیف

استانبول، ۲۰۱۶

یک روز پاییزی معمولی در استانبول بود که متوجه شد می‌تواند کسی را به قتل برساند. این داستان در بعد از ظهری آغاز شد که تفاوت چندانی با دیگر بعد از ظهرها نداشت و فقط مثل سرب، سنگین و بیش از اندازه ساکت بود. او به تجربه دریافته بود که حتی زنان بسیار مهربان و ظریف هم، در شرایط سخت و دشوار، می‌توانند توفان به پا کنند. هیچ یک از آنان، حتی به ظاهر عاقل و زیرک‌ترینشان نیز بهره‌ای از دیوانگی ندارند. او می‌دانست زنانی که خود را بسیار مهربان، پرزرق و برق و آراسته نشان می‌دهند چند برابر بیش از دیگران استعداد دیوانگی دارند. اما واقعا این کلمه‌ی «استعداد» واژه‌ی عجیبی بود. مگر نه این که ترکیه، کشوری که روزی روزگاری گمان می‌رفت، «الگوی غرب زده، دموکرات و لایبیک‌ترین کشور جغرافیای اسلام» باشد، در نهایت به دیار استعدادهای ناشکفته تبدیل شد؟ کسی چه می‌داند، شاید پیشاپیش، احتمال دیوانگی او هم می‌رفت.

در هر صورت زندگی، یا به عقیده‌ی بعضی‌ها «تقدیر» یعنی لوح محفوظی که همه چیز از پیش در آن نوشته شده است، باعث محافظت او در مقابل خطاها بود. به جز غیبت‌های گه‌گاهی اش پشت سرفراد و یا دروغ‌های